

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Criminal Policy of Iran in Electronic Monitoring

Majid Bagherpour Gorji¹, Abolhasan Shakeri^{*2}, Kiumars Kalantari²

1. Department of Criminal Justice and Criminology, Sar.C., Islamic Azad University, Sari, Iran.

2. Department of Criminal Justice and Criminology, Babolsar Branch, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

* Corresponding Author's Email: a.shakeri@umz.ac.ir

ABSTRACT

In the Iranian judicial system, the use of electronic monitoring technology has been considered as a modern alternative to imprisonment, particularly within the framework of the Islamic Penal Code. Article 62 of this Code marked the beginning of this approach; however, due to a lack of necessary facilities, it was not widely implemented. Nevertheless, with the adoption of the Law on the Reduction of Ta'zir Imprisonment Sentences and the development of related infrastructures, this supervisory method has gradually gained a prominent position in the priorities of the criminal justice system and has acquired special significance. Accordingly, the present study raises the question: What are the foundations of Iran's criminal policy in electronic monitoring? This research has been conducted using a library (documentary) method and a descriptive–analytical approach. The findings indicate that through electronic monitoring, alternative punishments to imprisonment can be considered as effective guarantees. This method not only serves as a substitute for incarceration but, in some cases, also complements it. Based on the regulations, individuals under electronic monitoring are entitled to leave. Article 16 of the Executive By-law on Electronic Monitoring stipulates that any changes in the monitoring area must be carried out with the approval of the authority issuing the judgment or supervisory order and in accordance with the relevant rules and regulations. Furthermore, in the event of damages caused by the monitored individual, the amount of damage will be deducted from the set bail. In cases where there is an objection regarding the amount of damage, the Statistics and Information Technology Center of the Judiciary shall appoint the relevant expert to assess and determine the damages.

Keywords: *imprisonment, punishment, criminal policy, electronic monitoring, criminal justice system*

How to cite: Bagherpour Gorji, M., Shakeri, A., & Kalantari, K. (2026). Criminal Policy of Iran in Electronic Monitoring. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(2), 1-21.



تاریخ ارسال: ۲۴ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۴ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۰۱ تیر ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

سیاست جنایی ایران در نظارت الکترونیکی

مجید باقرپور گرگی^۱، ابوالحسن شاکری^۲، کیومرث کلانتری^۳

۱. گروه جزا و جرم‌شناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

۲. گروه جزا و جرم‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه مازندران، بابل، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: a.shakeri@umz.ac.ir

چکیده

در نظام قضایی ایران، بهره‌گیری از فناوری نظارت الکترونیک به عنوان جایگزینی نوین برای حبس، به‌ویژه در چارچوب قانون مجازات اسلامی، مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۶۲ این قانون آغازگر این رویکرد بود، اما به دلیل کمبود امکانات لازم، به‌طور گسترده عملی نشد. با این حال، با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و توسعه زیرساخت‌های مرتبط، این روش نظارتی به تدریج جایگاهی برجسته در اولویت‌های نظام کیفری پیدا کرده و اهمیت ویژه‌ای کسب کرده است. براین اساس، سؤال پژوهش پیش‌رو این است که مبانی سیاست جنایی ایران در نظارت الکترونیکی چیست؟ که به‌صورت کتابخانه‌ای (اسنادی) و روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. یافته‌ها حاکی از آن است با استفاده از نظارت الکترونیکی، می‌توان مجازات‌های جایگزین حبس را به‌عنوان ضمانت‌های مؤثر در نظر گرفت. این روش نه تنها می‌تواند به‌عنوان جایگزینی برای زندان عمل کند، بلکه در برخی موارد، تکمیل‌کننده آن نیز هست. و براساس مقررات، افرادی که تحت نظارت الکترونیکی قرار دارند، از حق مرخصی بهره‌مند هستند. ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرایی نظارت الکترونیک بیان می‌کند که هرگونه تغییر در محدوده نظارتی، با تایید مرجع صادرکننده حکم یا قرار نظارتی و طبق ضوابط و مقررات انجام می‌شود. و در صورت بروز خسارت توسط فرد تحت نظارت، مبلغ خسارت از وثیقه تعیین‌شده کسر خواهد شد. در شرایطی که اعتراضی در مورد میزان خسارت وجود داشته باشد، مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه، کارشناس مربوطه را برای ارزیابی و تعیین خسارت تعیین خواهد کرد.

کلیدواژه‌گان: حبس، مجازات، سیاست جنایی، نظارت الکترونیکی، نظام کیفری

نحوه استناددهی: گرگی، مجید باقرپور. شاکری، ابوالحسن. و کلانتری، کیومرث. (۱۴۰۵). سیاست جنایی ایران در نظارت الکترونیکی. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴(۲)، ۱-۲۱.



مقدمه

مجازات‌ها و تشخیص نوع مؤثر آن‌ها همواره دغدغه اصلی مسئولین و سیاستگذاران کیفری بوده است. از یک‌سو، مجرمین باید مجازات شوند و از سوی دیگر، نگهداری زندانیان هزینه‌های زیادی را بر دوش دولت‌ها و جوامع تحمیل می‌کند. با مطالعه و بررسی‌ها، مشخص شده است که مجازات زندان برای بسیاری از مجرمین مناسب نیست و باید جایگزین مناسبی برای آن‌ها پیدا کرد. یکی از جایگزین‌های مجازات حبس، نظارت الکترونیکی است که در بسیاری از کشورها از جمله ایران، امریکا و... استفاده می‌شود. در این روش، مجرمان با استفاده از فناوری‌های ارسال فرکانس رادیویی در اجتماع و محل زندگی خود محدود و تحت نظارت قرار می‌گیرند.

نظارت سامانه‌های الکترونیکی از اواخر دهه ۱۹۸۰ آغاز شد و نخستین بار در سال ۱۹۸۴ مورد استفاده قرار گرفت. در ایالات متحده، این نوع نظارت صرفاً برای کنترل افرادی که تحت تعلیق مراقبتی بودند به کار گرفته می‌شد. ورود نظارت الکترونیکی به نظام حقوقی فرانسه در دسامبر ۱۹۹۷ اتفاق افتاد و از آن زمان تاکنون، دامنه کاربرد آن دست‌خوش تغییرات زیادی شده است. سرانجام، با تصویب قانون ۹ مارس ۲۰۰۴، دادگاه‌ها مجاز شدند حکم محکومیت تحت نظارت الکترونیکی را برای مدت حداکثر یک سال صادر کنند.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، استفاده از این نوع مجازات را پیش‌بینی کرده‌اند. سیاست جنایی به چهار قسمت تقنینی، قضایی، مشارکتی و اجرایی تقسیم می‌شود. سیاست جنایی تقنینی، مجموعه‌ای از تدابیر مبارزه با بزهکاری است که در قانون متجلی شده است. سیاست جنایی قضایی، تصمیم‌ها و عملکرد دادگاه‌های دادگستری است. سیاست جنایی مشارکتی، تعیین میزان مشارکت موثر و فعال جامعه مدنی در سیاست جنایی است. و سیاست جنایی اجرایی یعنی مجموعه

تدابیر و اقداماتی که نهادهای دولتی (مانند پلیس، دادسرا، و زندان‌ها) برای مقابله عملی با جرم و اجرای عدالت کیفری در جامعه به کار می‌برند. جایگزین‌های مجازات حبس باید ساختار معقول و متناسبی داشته باشند تا دادگاه‌ها بتوانند با اعتماد کامل به مفید و موثر بودن، آن‌ها را اعمال کنند. برای تامین این اهداف، مقررات مربوط به هر جایگزین باید به‌خوبی تهیه و با استفاده از تجربیات سایر کشورها و لحاظ فرهنگ ملی و اوضاع و احوال هر کشور تدوین شود.

براین اساس تحت آموزه‌های حقوقی و کیفرشناختی ضرورت مطالعه و آسیب‌شناسی سیاست تقنینی، قضایی و اجرایی حقوق کیفری ایران در بهره‌گیری از نظام نظارت الکترونیکی و ارائه راهکارهایی جهت رفع این چالش‌ها و ارتقای استفاده از آن، گردآوری این نوشتار را موجب شده است. مبنای اصلی مربوط به نظام نظارت الکترونیکی یعنی ماده ۲۶ ق.م.ا و تبصره آن دارای ابهامات و نواقص بی‌شماری است از جمله گویا و روشن نبودن این ماده در بیان ماهیت نظام نظارت الکترونیکی، ابهام در قلمرو اجرایی آن نسبت به جرایم عمدی و غیرعمدی و افراد مشمول آن، عدم تصریح قانونی به نتایج تبعیت یا تخلف بهره‌ور نظارت الکترونیکی از دستورات مراقبتی و تدابیر نظارتی و عدم تصریح به نتیجه اخلاف در به‌کارگیری تجهیزات نظارت الکترونیکی، ابهام مراد مقنن از محدوده مکانی مشخص برای نظارت و ابهام در امکان یا عدم امکان انصراف محکوم علیه یا متهم از ادامه نظارت الکترونیکی و تقاضای بازگشت به زندان و مهم‌تر از همه باقی‌بودن تردید.

پیداست که هدف پایدار سیاست جنایی، تضمین انسجام و ادامه حیات هیئت اجتماع (دولت و جامعه مدنی) با پاسخ به نیاز اشخاص و اموال به امنیت است. ابزار دستیابی به هدف مذکور معمولاً در تدابیر کیفری و ناکیفری جستجو می‌شود. بدیهی است هراندازه که سیاست جنایی بیشتر از ظرفیت‌های اجتماعی استفاده

سیاست «برخورد با جرم و بزهکاری پس از ارتکاب آن»، محدود می‌شد. هرچند که در تعاریف اولیه سیاست جنایی، رویکرد انحصاری، مبارزه با جرم و کیفر بزهکاران و به بیان دیگر سیاست کیفری بوده است، اما به تدریج در کنار مقابله و جزادهی به بزهکار، بحث پیشگیری از بزه نیز در میان جرم‌شناسان قوت پیدا کرد و سیاست جنایی از «سیاست کیفر» به «سیاست کیفر و پیشگیری» تحول پیدا کرد (Haji Dehabaei & Khaghani, 2013).

سیاست جنایی مجموعه روش‌هایی را شامل می‌گردد که هیئت اجتماع با توسل به آن‌ها پاسخ‌های خود به پدیده‌ی مجرمانه (جرم و انحراف) را سازمان می‌بخشد امروزه سیاست جنایی برخلاف دیدگاه دانشمندان گذشته که آن را شاخه‌ای از جرم‌شناسی یا حقوق جزای کاربردی به‌شمار می‌آوردند، یک رشته‌ی مطالعاتی مستقل در علوم جنایی محسوب می‌شود که البته از یافته‌های سایر علوم نیز بهره می‌گیرد و درواقع یک رشته‌ی مطالعاتی میان‌رشته‌ای است که با توجه به آنچه گفته شد، دارای چهار رکن اساسی شامل: جرم، انحراف، دولت و درنهایت جامعه‌ی مدنی، می‌باشد (Hosseini, 2015).

سیاست به‌طور مختصر و ساده عبارتست از درک، تدبّر و اداره‌ی مسایل و امور جامعه، بدین‌سان سیاست جنایی از یک‌سو با تجزیه و تحلیل و فهم یک امر خاص در جامعه، یعنی پدیده مجرمانه و از سوی دیگر، با عملی ساختن یک استراتژی (راهبرد) به‌منظور پاسخ به وضعیت‌های بزهکاری یا کژروی (انحراف)، در ارتباط است (Lazerges, 2021). عبارت از مجموعه‌ی شیوه‌های سرکوب‌گرانه‌ای که دولت با استفاده از آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد (Najafi Abrandabadi, 2003).

کند، در دست‌یابی به این اهداف توفیق بیشتری حاصل می‌کند. از این منظر به‌نظر می‌رسد سیاست جنایی ایران در طول دوران تقنینی و قضایی خود بیشتر مبتنی بر کیفرگرایی بوده و جامعه‌ی مدنی جایگاه حقوقی و مداخله‌ی عملی چندانی در سیاست‌گذاری، مدیریت امور اجتماعی و قضایی نداشته است. آمار مربوط به جرم‌انگاری‌ها، میزان و نوع مجازات‌ها، به‌ویژه آمار مربوط به مجازات حبس بر این موضوع صحه می‌گذارند. اما شکل‌گیری آموزه‌های نوین علمی در سال‌های اخیر، اثبات ناکارآمدی مجازات سالب آزادی، مشکلات اداره‌ی زندان‌ها و تشدید آسیب‌های حاصل از آن موجب تغییراتی در خط‌مشی قانون‌گذار شده است. درنتیجه این تغییرات، امروز دیگر به زندان هم‌چون یک پاسخ اصلاحی و درمانی برای مسئله جرم نگریسته نمی‌شود، بلکه زندان یک مسئله و مشکل قانونی و ساختاری انگاشته می‌شود که سلامت جامعه‌ی ایرانی را به چالش کشیده است؛ از این‌رو، قانون‌گذار بر آن است تا با اعمال پاسخ‌های جامعه‌ی این مشکل را کمرنگ سازد.

این مقاله، تمرکز بر روی سیاست جنایی ایران در نظارت الکترونیکی است. هدف درک این موضوع است که اگر پس از مدتی، محکوم علیه، شرایط مقرر نظارت الکترونیکی را رعایت نکند، مدت محکومیت وی با کسر مدت نظارت الکترونیکی است یا بدون آن؟ همین‌طور آیا محکوم به نظارت الکترونیکی می‌تواند مرخصی درخواست کند؟ همچنین، این سؤال مطرح است که شرایط تحت نظارت الکترونیکی، مثل محدوده جغرافیایی و زمان در طول تحت نظارت، قابل تغییر است؟ این مقاله تلاش دارد تا با بررسی ابعاد حقوقی این موضوع، درک بهتری از سیاست جنایی ایران در نظارت الکترونیکی ارائه دهد.

مفهوم سیاست جنایی

در تعاریف مضیق این مفهوم، که درواقع از تعاریف اولیه سیاست جنایی محسوب می‌شدند، سیاست جنایی مترادف با سیاست کیفری به‌کار گرفته می‌شد و سیاست جنایی در این تعبیر، به

همچنین نظارت الکترونیکی به معنای تحت مراقبت قرار دادن شخص در محدوده معین با استفاده از ابزارهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی به منظور تضمین حضور به موقع متهم نزد مراجع قضایی یا به عنوان یکی از جایگزین‌های مجازات حبس یا ابزار اعمال نظارت و کنترل تردد اشخاص با رعایت حریم خصوصی در سایر موارد قانونی می‌باشد. نظارت الکترونیک به عنوان شیوه‌ای مستقل در اعطای امتیاز باز اجتماعی شدن به محکوم در قانون مجازات اسلامی و روشی تبعی در اجرای قرار تامین حبس خانگی متهمین کم‌خطر از جمله اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری ذکر شده است (Ahvar, 2023).

از سوی دیگر نظارت الکترونیکی به عنوان یکی از تدابیر جایگزین مجازات گاه به صورت مستقل و گاه به همراه سایر تدابیر از جمله آزادی مشروط و تعلیق مراقبتی یکی از تدابیر مورد استفاده بسیاری از کشورهای دنیا می‌باشد، تحقیقات صورت گرفته در زمینه مخرب بودن زندان، حرفه‌ای شدن افراد در این محیط و هزینه‌های هنگفت نگهداری افراد در محیط بسته، کشورهای مختلف دنیا را به فکر ایجاد تدابیری درخصوص نگهداری افراد در اجتماع و درون خانواده انداخت تا با استفاده از آن در کنار کنترل بزهکاران، با سازگار نمودن و اصلاح آن‌ها از نیروی کار مورد نیاز جامعه نگاهند و این افراد نیز بتوانند با کار و فعالیت علاوه بر ترمیم آسیب‌های ایجاد نموده، باز اجتماعی گردند. یکی از این تدابیر، نظارت الکترونیکی می‌باشد (A. Shiri, 2024).

انواع سیاست جنایی

سیاست جنایی به چهار قسمت تقنینی، قضایی، مشارکتی و اجرایی تقسیم می‌شود:

۱- سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی تقنینی به عنوان یکی از ارکان مهم نظام حقوقی هر کشور، به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که هدف آن سامان‌دهی

فون لیست^۱ نیز در تعریف خود از سیاست جنایی آورده است: سیاست جنایی رشته‌ای است که حسب یافته‌های فلسفی و علمی و طبق مقتضیات تاریخی کوشش می‌کند تا به تدوین نظریه‌های کیفری و پیشگیری جرایم که در عمل مفید واقع گردد، بپردازد. به اعتقاد وی، جرم معلول عوامل فردی و اجتماعی بوده و لذا سیاست اجتماعی و سیاست جنایی را از یکدیگر جدا کرده و تصریح نمود موضوع سیاست اجتماعی (پیشگیری اجتماعی) حذف کامل یا حداقل محدود ساختن شرایط اجتماعی جرم است، درحالی‌که سیاست جنایی درجایی که با بزهکار خاص سروکار می‌یابد، نمایشگر مبارزه علیه جرم به وسیله تأثیر فردی علیه بزهکار است (Nourbaha, 2022).

مفهوم نظارت الکترونیکی

نظارت الکترونیکی به عنوان یک ضمانت اجرای جایگزین مجازات حبس، به معنای کنترل و نظارت بر اشخاص از طریق ابزارها و وسایل الکترونیکی در محیط خارج از زندان است. این شیوه نظارت کاربردهای وسیعی در کنترل منابع انسانی در کارخانه‌ها و اداره‌ها و کنترل اجتماعی نظیر کنترل ترافیک یا حفاظت از اماکن و تأسیسات دارد (Mohammad Nasl, 2005). به عبارت دیگر منظور از نظارت الکترونیکی، قرارگرفتن شخص، تحت نظارت سامانه (سیستم) الکترونیکی خارج از زندان می‌باشد. به گونه‌ای که فقط در مکان یا محدوده مشخصی، در طول شبانه‌روز یا فقط شب‌ها، اجازه رفت و آمد داشته باشد. همچنین ممکن است شخص از رفتن به مکان‌های خاص، مانند اماکن جرم خیز منع شود. بدیهی است، این نظارت فقط با دستور مقام قضایی امکان‌پذیر است و شخص تحت نظارت نمی‌تواند بدون کسب اجازه از مقام یاد شده، از مکان یا محدوده تعیین شده خارج شده و به مکان دیگری برود، همچنین شخص تحت نظارت، حق رفتن به اماکن منع شده را ندارد (A. Shiri, 2024).

^۱. Franz Von litz

و مدیریت جرم و جنایت از طریق وضع قوانین و مقررات مناسب است. این سیاست‌ها معمولاً براساس نیازهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه تدوین می‌شوند و سعی دارند تا با ایجاد یک بستر قانونی، به پیشگیری از وقوع جرم و همچنین پاسخ مناسب به جرائم انجام شده بپردازند. یکی از جنبه‌های کلیدی سیاست جنایی تقنینی، تعیین حدود و ثغور مجازات‌ها و انواع جرائم است. این امر نه تنها به شفافیت قوانین کمک می‌کند بلکه به جامعه این امکان را می‌دهد که درک بهتری از رفتارهای مجرمانه و پیامدهای آن‌ها داشته باشد. به همین دلیل، سیاست جنایی تقنینی باید به گونه‌ای طراحی شود که هم از حقوق افراد محافظت کند و هم به تأمین امنیت عمومی بپردازد (A. Shiri, 2024).

علاوه بر این، سیاست جنایی تقنینی باید منعطف باشد تا بتواند با تغییرات اجتماعی و فرهنگی جامعه سازگار شود. به عنوان مثال، ظهور فناوری‌های جدید و شیوه‌های نوین جرم‌زایی نیازمند بازنگری و تجدیدنظر در قوانین موجود است. همچنین، توجه به حقوق بشر و تضمین عدالت اجتماعی در تدوین این سیاست‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه بدون رعایت این اصول، ممکن است قوانین به ابزاری برای سرکوب آزادی‌های فردی تبدیل شوند (Mohaddes, 2011). در نهایت، سیاست جنایی تقنینی نیازمند همکاری و هماهنگی میان نهادهای مختلف اجتماعی و دولتی است. این همکاری می‌تواند شامل نهادهای قضائی، پلیس، سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی باشد تا به یک رویکرد جامع و یکپارچه در زمینه پیشگیری و مقابله با جرم دست یابیم. با توجه به پیچیدگی‌های اجتماعی و اقتصادی امروز، وجود یک سیاست جنایی تقنینی کارآمد و منطبق با نیازهای جامعه، ضروری به نظر می‌رسد (Ashouri, 2022).

۲- سیاست جنایی قضایی

سیاست جنایی قضایی به عنوان یکی از ارکان کلیدی نظام حقوقی هر کشور، به مجموعه اصول، رویه‌ها و سیاست‌هایی اطلاق

می‌شود که در فرآیند دادرسی و رسیدگی به جرائم به کار گرفته می‌شود. این سیاست‌ها به منظور تضمین عدالت، حفاظت از حقوق بشر و ایجاد امنیت عمومی طراحی شده‌اند. سیاست جنایی قضایی نه تنها به تعیین مجازات‌ها و نحوه برخورد با مجرمان می‌پردازد، بلکه به بررسی و تحلیل عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر بروز جرم نیز توجه دارد. یکی از اهداف اصلی سیاست جنایی قضایی، تأمین عدالت و برقراری توازن میان حقوق متهم و حقوق شاکی است. در این راستا، اصولی نظیر حق دفاع، حق محاکمه عادلانه و حق دسترسی به وکیل از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. رعایت این حقوق موجب می‌شود که سیستم قضائی به عنوان نهاد حافظ عدالت در نظر عموم شناخته شود و اعتماد شهروندان به این نهاد تقویت گردد. عدم رعایت این حقوق می‌تواند به سلب اعتماد عمومی و نارضایتی اجتماعی منجر شود (Ashouri, 2022).

علاوه بر این، سیاست جنایی قضایی باید به مسائل پیشگیرانه و اصلاحی نیز توجه داشته باشد. در بسیاری از موارد، صرفاً مجازات مجرمان کافی نیست و نیاز به برنامه‌های توانمندسازی و بازپروری احساس می‌شود. این برنامه‌ها می‌توانند به کاهش نرخ جرم و بهبود کیفیت زندگی مجرمان پس از آزادی کمک کنند. به عنوان مثال، ایجاد مراکز بازتوانی و برنامه‌های آموزشی برای مجرمان می‌تواند به ادغام مجدد آن‌ها در جامعه کمک کند و از تکرار جرم جلوگیری نماید (Movahedi Nia & Afshar, 2020). در نهایت، نظارت و ارزیابی مستمر سیاست‌های جنایی قضایی از اهمیت بالایی برخوردار است. بررسی تأثیر قوانین و رویه‌های قضائی بر میزان جرم و جنایت و همچنین بر حقوق بشر می‌تواند به اصلاح و بهبود این سیاست‌ها کمک کند. به علاوه، مشارکت فعال جامعه مدنی، نهادهای حقوق بشری و دانشگاه‌ها در این فرآیند، به ارتقای کیفیت نظام قضائی و تأمین عدالت اجتماعی کمک شایانی خواهد کرد. به این ترتیب، سیاست جنایی قضایی نه تنها به تأمین امنیت و

(A. Shiri, 2024). در هایت، سیاست جنایی مشارکتی نیازمند همکاری مؤثر میان نهادهای مختلف اجتماعی، دولتی و خصوصی است. این همکاری می‌تواند شامل تبادل اطلاعات، منابع و تجارب باشد و باعث ایجاد یک فضای همکاری و مؤثر در حوزه سیاست‌های جنایی شود. با توجه به پیچیدگی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع امروزی، وجود سیاست جنایی مشارکتی می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی اجتماعی و افزایش امنیت عمومی منجر شود. این رویکرد، به‌ویژه در جوامع چند فرهنگی و متنوع، اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند به تقویت انسجام اجتماعی و کاهش تنش‌های اجتماعی کمک کند (Khaleghi, 2025).

۴- سیاست جنایی اجرایی

سیاست جنایی اجرایی به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که در راستای اجرای قوانین و مقررات جنایی در یک کشور یا منطقه خاص صورت می‌گیرد. این سیاست به نحوه‌ی اعمال و اجرای قوانین جنایی، نظارت بر نهادهای مسئول، و فرآیندهای دادرسی و اجرای عدالت مربوط می‌شود. هدف اصلی سیاست جنایی اجرایی، تأمین امنیت عمومی، حفظ نظم اجتماعی، و تضمین رعایت حقوق شهروندان در فرآیندهای قضائی است (میراحمدیان، ۱۳۸۸: ۳۴). یکی از جنبه‌های مهم سیاست جنایی اجرایی، هماهنگی و همکاری میان نهادهای مختلف قضائی و انتظامی است. این نهادها شامل پلیس، دادرس، محاکم و سازمان‌های اصلاحی می‌شوند که هر یک نقش ویژه‌ای در اجرای سیاست‌های جنایی دارند. برای مثال، پلیس به عنوان نهاد اجرایی، مسئولیت شناسایی و دستگیری مجرمان را برعهده دارد، درحالی‌که دستگاه قضائی وظیفه دارد تا براساس شواهد و مدارک، به پرونده‌ها رسیدگی کند و مجازات‌های مناسب را تعیین نماید. این همکاری و هماهنگی بین نهادها می‌تواند به بهبود کیفیت اجرای عدالت و کاهش اختلافات در فرآیندهای قضائی کمک کند (Abbas Shiri, 2024).

نظم اجتماعی کمک می‌کند، بلکه به پیشرفت و توسعه پایدار جامعه نیز منجر می‌شود (Bales et al., 2010).

۳- سیاست جنایی مشارکتی

سیاست جنایی مشارکتی به رویکردی اطلاق می‌شود که در آن ذینفعان مختلف جامعه، از جمله دولت، نهادهای غیردولتی، جامعه مدنی، قربانیان جرم و حتی مجرمان، در فرایند تدوین و اجرای سیاست‌های جنایی دخالت دارند. این نوع سیاست جنایی به دنبال ایجاد یک نظام جامع و همکاری است که در آن تمامی اعضای جامعه در تلاش برای کاهش جرم و تأمین امنیت عمومی سهیم باشند. از این‌رو، سیاست جنایی مشارکتی می‌تواند به عنوان یک ابزار مؤثر برای تقویت ارتباطات اجتماعی و افزایش حس مسئولیت جمعی در برابر مسائل جنایی تلقی شود (Movahedi, Nia & Afshar, 2020). یکی از ویژگی‌های بارز سیاست جنایی مشارکتی، تأکید بر پیشگیری از جرم به جای صرفاً مجازات مجرمان است. در این رویکرد، با شناسایی و تحلیل علل و عوامل بروز جرم، می‌توان برنامه‌ها و راهکارهای پیشگیرانه‌ای طراحی کرد که به بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه کمک کند. برای مثال، برنامه‌های آموزشی، مشاوره‌ای و اجتماعی می‌توانند به کاهش نرخ جرم و افزایش آگاهی عمومی کمک کنند. این نوع مداخلات معمولاً با همکاری نهادهای دولتی و غیردولتی انجام می‌شود و به ایجاد شبکه‌های حمایتی برای آسیب‌دیدگان و مجرمان منجر می‌شود (Toghrankar, 2008).

از دیگر جنبه‌های مهم سیاست جنایی مشارکتی، جلب مشارکت قربانیان جرم است. در این رویکرد، قربانیان نه تنها به عنوان افرادی که متحمل آسیب شده‌اند، بلکه به عنوان بازیگران فعال در فرایند عدالت تلقی می‌شوند. این امر می‌تواند به قربانیان کمک کند تا احساس کنند که صدایشان شنیده می‌شود و در فرآیند دادرسی و جبران خسارت مشارکت دارند. این نوع رویکرد می‌تواند به ترمیم روابط اجتماعی و کاهش احساس بی‌عدالتی در جامعه کمک کند.

اختصاص یافت. کیفرشناسی نه تنها به بررسی مباحث شکلی مرتبط با اجرای کیفرها می‌پردازد، بلکه به ماهیت و مباحث ماهوی مرتبط با مجازات‌ها نیز توجه ویژه دارد (Daneshvar Vaziri & Haji Dehabadi, 2018).

محورهای سیاست جنایی در حوزه نظارت الکترونیکی

سیاست جنایی ایران در حوزه نظارت الکترونیکی، مفهومی نوین و رویکردی مدرن در سیستم قضایی کشور است که با هدف ارتقاء عدالت کیفری و مدیریت بهینه جمعیت زندان‌ها شکل گرفته است. این رویکرد، ترکیبی از روش‌های نظارتی، اصلاحی، و بازدارنده است که به دنبال ایجاد تعادل بین مجازات و بازپروری مجرمان می‌باشد. می‌توان این سیاست را در چند محور اصلی بررسی کرد:

۱- اهداف و مبانی

نظارت الکترونیکی به عنوان یک ابزار نظارتی و جایگزینی برای حبس، با اهداف و مبانی مشخصی در سیستم عدالت کیفری مورد استفاده قرار می‌گیرد. این اهداف و مبانی، فلسفه وجودی و توجیه -کننده استفاده از این فناوری هستند. درک این اهداف و مبانی به ما کمک می‌کند تا ارزیابی دقیق‌تری از کارایی و اثربخشی پابند الکترونیکی داشته باشیم. در زیر به برخی از مهم‌ترین این اهداف و مبانی اشاره می‌شود:

۱- کاهش جمعیت کیفری: یکی از اهداف اصلی استفاده از نظارت الکترونیکی، کاهش تعداد زندانیان و جلوگیری از ورود افراد به زندان است، به‌ویژه در مورد جرایم سبک و غیرخشن. یکی از چالش‌های اصلی سیستم قضایی ایران، جمعیت بالای زندان‌ها است. نظارت الکترونیکی به‌عنوان یک راهکار مؤثر، به دنبال کاهش تعداد زندانیان از طریق ارائه جایگزین‌های حبس است. این روش با استفاده از فناوری‌های نظارتی، مانند پایش الکترونیکی یا «برچسب الکترونیکی»، اجازه می‌دهد مجرمان در محیط‌های خارج از زندان تحت نظارت قرار گیرند (Gholami & Maleki, 2015).

علاوه بر این، سیاست جنایی اجرایی باید به نیازها و شرایط خاص جامعه توجه کند. در این راستا، برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی برای کارکنان نهادهای قضائی و انتظامی می‌تواند به بهبود کیفیت خدمات ارائه‌شده و افزایش کارایی این نهادها کمک کند. همچنین، توجه به مسائل اجتماعی و اقتصادی می‌تواند به نهادهای اجرایی کمک کند تا با رویکردی جامع‌نگر، به پیشگیری از جرم و کاهش آسیب‌های اجتماعی بپردازند (Toghrankar, 2008).

در نهایت، نظارت و ارزیابی مستمر سیاست‌های جنایی اجرایی از اهمیت بالایی برخوردار است. این ارزیابی می‌تواند شامل بررسی اثرات قوانین، میزان موفقیت در پیشگیری از جرم، و رعایت حقوق بشر در فرآیندهای قضائی باشد. با تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات به‌دست‌آمده، می‌توان سیاست‌ها و رویه‌های اجرایی را اصلاح و بهبود بخشید. در نتیجه، وجود یک سیاست جنایی اجرایی کارآمد و مؤثر، نه تنها به تأمین امنیت و نظم اجتماعی کمک می‌کند، بلکه به ارتقای اعتماد عمومی به نظام قضائی و افزایش احساس عدالت در جامعه نیز منجر می‌شود (Ashouri, 2022).

بنابراین در مفهوم نوین سیاست جنایی، بررسی سیاست‌ها و تصمیمات اتخاذ شده توسط قوه مجریه و ارکان آن، در کنار سیاست جنایی قانونی و قضایی، ضروری به نظر می‌رسد. قوه مجریه، هرچند ابزار کیفری مستقیم در اختیار ندارد، اما با بهره‌گیری از اهرم‌های نظارتی خاص، ضمانت اجرای اداری، و توانایی ارائه لوایح ویژه برای تصویب در مجلس، می‌تواند نقش چشمگیری در تنظیم و پویایی سیاست جنایی ایفا کند. نحوه اجرای تدابیر سرکوبگرانه یا پیشگیرانه علیه پدیده‌های مجرمانه (مانند جرم و انحراف) جایگاه ویژه‌ای در این حوزه دارد. علم اجرای تدابیر سرکوبگرانه که برگرفته از واکنش‌های قهرآمیز یک جامعه در برابر پدیده‌های مجرمانه است، در ابتدای امر با عناوینی همچون «علم اجرای احکام جزایی»، «علم مجازات»، و «علم درمان» شناخته شد، اما در نهایت عنوان «کیفرشناسی» به آن

۲- اصلاح و بازپروری مجرمان: نظارت الکترونیکی به عنوان یک

جایگزین حبس، فرصتی برای مجرم فراهم می‌کند تا در محیط خانواده و اجتماع به اصلاح رفتار خود بپردازد. این سیاست جنایی بر جنبه اصلاحی مجازات تأکید دارد. با استفاده از نظارت الکترونیکی، مجرمان می‌توانند در جامعه حضور داشته باشند و تحت برنامه‌های اصلاح و بازپروری قرار گیرند. این برنامه‌ها شامل مشاوره‌های روان‌شناسی، آموزش‌های مهارتی، و مداخلات اجتماعی است که به مجرمان کمک می‌کند تا رفتارهای مجرمانه را کنار گذاشته و به شهروندانی مفید تبدیل شوند (Niazpour, 2024).

۳- حفظ امنیت جامعه: نظارت الکترونیکی با کنترل و رصد رفتار

مجرم، از وقوع جرم مجدد جلوگیری می‌کند و امنیت جامعه را تضمین می‌کند. در عین حال، نظارت الکترونیکی به حفظ امنیت جامعه نیز کمک می‌کند. با نظارت مداوم بر مجرمان، می‌توان از وقوع مجدد جرم جلوگیری کرد (Safari & Haji Tabar, 2014).

۴- اقتصاد کیفری: کاهش هزینه‌های نگهداری زندانیان و استفاده بهینه از منابع قضایی. کاهش هزینه‌های نگهداری زندانیان و استفاده مؤثر از منابع قضایی نه تنها از نظر اقتصادی حائز اهمیت است، بلکه می‌تواند به اصلاح و بازپروری بهتر زندانیان و در نتیجه کاهش نرخ جرم و جنایت نیز کمک کند. اولین گام در جهت کاهش هزینه‌ها، شناسایی عوامل تأثیرگذار بر هزینه‌های نگهداری زندانیان است. این عوامل می‌توانند شامل موارد زیر باشند:

- جمعیت زندانیان: تعداد زندانیان در هر زندان، یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده هزینه‌هاست. کاهش جمعیت زندانیان از طریق اصلاح قوانین و سیاست‌های قضایی، می‌تواند به طور مستقیم بر هزینه‌ها تأثیرگذار باشد.

- زیرساخت‌های زندان: ساخت و نگهداری زندان‌ها، هزینه‌های قابل توجهی را به سیستم قضایی تحمیل می‌کند. بهینه‌سازی طراحی

زندان‌ها و استفاده از فناوری‌های نوین، می‌تواند در کاهش این هزینه‌ها مؤثر باشد.

- خدمات و منابع: تأمین غذا، مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و دیگر خدمات برای زندانیان هزینه‌بر است. مدیریت بهینه این منابع و یافتن راهکارهایی برای تأمین آن‌ها با هزینه کم‌تر، ضروری است (Tadayyon, 2017).

- اصلاح قوانین و مجازات‌ها: بازنگری در قوانین و مجازات‌های قضایی می‌تواند منجر به کاهش جمعیت زندانیان شود.

- استفاده از فناوری: اتوماسیون و دیجیتالی‌سازی فرایندهای قضایی و زندان‌ها می‌تواند هزینه‌ها را کاهش دهد (Noorpour, 2012).

۲- قوانین و مقررات

نظارت الکترونیکی نوعی فناوری نظارتی هستند که به طور فزاینده‌ای در سیستم‌های عدالت کیفری مورد استفاده قرار می‌گیرند. این دستگاه‌ها به مچ پای افراد بسته می‌شوند و به مقامات اجازه می‌دهند تا حرکات و موقعیت مکانی آن‌ها را از راه دور ردیابی کنند. استفاده از پابندهای الکترونیکی با مجموعه‌ای از قوانین و مقررات همراه است که هدف آن‌ها تضمین استفاده صحیح از این فناوری و محافظت از حقوق افراد تحت نظارت است. این قوانین و مقررات معمولاً به موارد زیر می‌پردازند:

۱- قانون مجازات اسلامی: ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی، گامی نوین در نظام قضایی ایران است که به دنبال ایجاد تعادل میان مجازات و بازپروری مجرمان است. این ماده قانونی که در سال ۱۳۹۲ اصلاح شد، به قضات این امکان را می‌دهد تا در برخی جرایم تعزیری، رویکردی متفاوت در صدور حکم داشته باشند. براساس این ماده، جرایم تعزیری درجه پنج تا هشت، که اغلب شامل جرایم غیرخشونت‌آمیز و جرایم علیه اموال هستند، می‌توانند مشمول نظارت الکترونیکی به جای حبس شوند. این بدان معناست

که مجرمین، به جای سپری کردن مدّت محکومیت خود در زندان، تحت نظارت الکترونیکی قرار می‌گیرند (Rahimi, 2013).

نظارت الکترونیکی روشی نوین در نظام قضایی است که از فناوری‌های پیشرفته برای کنترل و نظارت بر مجرمان استفاده می‌کند. این روش شامل تجهیز مجرم به دستگاه‌های ردیابی الکترونیکی، مانند دستبندهای الکترونیکی، است که موقعیت و فعالیت‌های فرد را تحت نظارت قرار می‌دهد. هدف از این نظارت، تضمین حضور فرد در مکان‌های مشخص و جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم است. مزایای این روش متعدد است. نخست، کاهش جمعیت زندان‌ها و در نتیجه بهبود شرایط زندانیان و کاهش هزینه‌های نگهداری آن‌ها. همچنین، این روش فرصتی برای مجرمان فراهم می‌کند تا در محیط خانواده و جامعه باقی بمانند و به زندگی عادی خود ادامه دهند، در حالی که تحت نظارت و کنترل هستند (Safari & Haji Tabar Firouzjaei, 2014).

۲- آیین‌نامه اجرایی نظارت الکترونیکی: آیین‌نامه، معیارهای مشخصی را برای استفاده از این روش نظارتی تعیین می‌کند. شرایطی مانند نوع جرم، سابقه مجرمانه فرد، و احتمال فرار یا تکرار جرم، در تصمیم‌گیری برای اعمال نظارت الکترونیکی موثرند. همچنین، این بخش به حقوق فردی متهم و ضوابطی که باید در حین نظارت رعایت شود، می‌پردازد تا از نقض حریم خصوصی و حقوق اساسی فرد جلوگیری شود. دستگاه‌های قضایی، انتظامی، و سازمان‌های مرتبط، هریک وظایف و اختیارات خاص خود را در این فرایند دارند. آیین‌نامه، نقش و مسئولیت هریک از این دستگاه‌ها را مشخص می‌کند. از جمع‌آوری مدارک و شواهد، نظارت بر صحت عملکرد تجهیزات، تا تصمیم‌گیری در مورد تمدید یا لغو نظارت، همه مراحل تحت نظارت و مدیریت این دستگاه‌ها انجام می‌شود (Albrecht, 2008).

در این آیین‌نامه، حقوق مجرمان یا متهمانی که تحت نظارت الکترونیکی قرار می‌گیرند، به دقت مشخص شده است. از جمله حق

اطلاع از دلایل نظارت، حق دسترسی به وکیل، و حفظ حریم خصوصی در حد امکان. همچنین، تکالیف و محدودیت‌هایی که بر فرد تحت نظر اعمال می‌شود، مانند محدودیت در مکان‌های مشخص، یا ممنوعیت ارتباط با افراد خاص، تشریح شده است. این آیین‌نامه، با ارائه جزئیات دقیق و راهنمایی‌های لازم، به ایجاد یک چارچوب منسجم برای نظارت الکترونیکی کمک می‌کند. هدف آن، تضمین اجرای عدالت، حفظ امنیت جامعه، و در عین حال رعایت حقوق افراد تحت نظارت است. با اجرای صحیح این آیین‌نامه، می‌توان از نظارت الکترونیکی به عنوان ابزاری کارآمد در سیستم قضایی و انتظامی استفاده کرد (Lemert, 1951).

۳- سایر قوانین مرتبط: قوانین و مقررات در حوزه نظارت الکترونیکی در نظام حقوقی، موضوعی پیچیده و دارای ابعاد مختلف است. یکی از مهم‌ترین قوانین مرتبط، قانون آیین دادرسی کیفری است که به عنوان مبنایی برای روند دادرسی و رسیدگی به جرائم شناخته می‌شود. این قانون، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، به موضوع نظارت الکترونیکی اشاره دارد. برای مثال، در ماده مربوط به قرار تأمین کیفری، استفاده از ابزارهای الکترونیکی برای نظارت بر متهم در برخی شرایط در نظر گرفته شده است. این قانون، جزئیات و شرایط استفاده از این روش نظارتی را مشخص می‌کند. قانون شوراهای حل اختلاف نیز از دیگر قوانین مرتبط است که به طور خاص به حل و فصل دعوی و اختلافات مدنی و جزایی در سطح محلی می‌پردازد. در مواردی، این شوراها ممکن است در روند رسیدگی به پرونده‌ها، به ویژه در مسائل جزایی، از روش‌های نظارت الکترونیکی بهره ببرند. این قانون، اختیارات و نحوه عملکرد شوراهای حل اختلاف را تعیین می‌کند (Najafi, 2024).

۳- سازوکارها و نهادها

نظارت الکترونیکی، به عنوان یک روش نظارتی در سیستم عدالت کیفری، نیازمند سازوکارها و نهادهای مختلفی است تا به طور مؤثر

خصوصی افراد است (Renzema & Mayo-Wilson, 2005).

۲- سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور: مسئولیت اجرای نظارت الکترونیکی بر عهده این سازمان است. این سازمان، متولی اصلی تضمین عملکرد صحیح و کارآمد فناوری‌های نظارتی در حوزه‌های مختلف است. نظارت الکترونیکی، مفهومی گسترده و شامل طیف وسیعی از روش‌ها و ابزار دیجیتال برای نظارت بر فعالیت‌ها، فرآیندها و عملکردهای مختلف است. سازمان مذکور، با استفاده از ابزارهای پیشرفته و تکنولوژی‌های روز، بر روند اجرای پروژه‌های الکترونیکی و دیجیتال نظارت می‌کند. این نظارت شامل بررسی و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، نظارت بر عملکرد سیستم‌ها، شناسایی مشکلات و ارائه راهکارهای بهبود می‌باشد (Ghaderi Yengi Kand, 2013).

از این‌رو، اقدامات لازم برای حفاظت از داده‌های شخصی و جلوگیری از سوءاستفاده از سیستم‌های نظارتی انجام می‌شود. در این راستا، سازمان مسئول، بر توسعه و به‌روزرسانی مداوم سیستم‌های نظارتی متمرکز است تا با پیشرفت‌های فناوری همگام باشد. این امر شامل ارتقاء سخت‌افزار و نرم‌افزارهای نظارتی، پیاده‌سازی روش‌های رمزنگاری پیشرفته و آموزش مداوم کارشناسان برای نظارت دقیق و مؤثر است. علاوه‌براین، نظارت بر نحوه اجرای قوانین و مقررات مرتبط با فناوری‌های نظارتی نیز در حیطه وظایف این سازمان قرار می‌گیرد. آن‌ها بر رعایت اصول اخلاقی و حقوقی در فرآیند نظارت الکترونیکی نظارت می‌کنند تا اطمینان حاصل شود که این فناوری‌ها در چارچوب قوانین و با رعایت حقوق افراد مورد استفاده قرار می‌گیرند (Khaleghi, 2025).

۳- پلیس: پلیس در برخی موارد، مانند نصب و جمع‌آوری تجهیزات نظارت الکترونیکی، با سازمان زندان‌ها همکاری می‌کند. بنابراین نیروی انتظامی و سازمان زندان‌ها در بسیاری از جنبه‌های

عمل کند. این سازوکارها و نهادها، با همکاری یکدیگر، اطمینان حاصل می‌کنند که استفاده از پابند الکترونیکی به‌درستی انجام شده، حقوق افراد تحت نظارت حفظ شده، و امنیت جامعه تضمین گردد. در زیر به برخی از مهم‌ترین این سازوکارها و نهادها اشاره می‌شود:

۱- دادگاه: نظارت الکترونیکی، یک موضوع پیچیده و بحث‌برانگیز در حوزه حقوق و فناوری است که تصمیم‌گیری در مورد آن، بر عهده نهادهای قضایی قرار گرفته است. دادگاه‌ها، به‌عنوان مراجعی که مسئولیت رسیدگی به امور حقوقی را بر عهده دارند، نقش کلیدی در تعیین چگونگی و شرایط استفاده از نظارت الکترونیکی ایفا می‌کنند. این تصمیم‌گیری شامل بررسی دقیق ابعاد مختلف حقوقی، اخلاقی و فنی است. درخصوص موضوع اصلی، یعنی نظارت الکترونیکی، دادگاه باید به سؤالاتی مانند موارد مجاز و غیرمجاز استفاده از این روش، حقوق افراد تحت نظارت، و تضمین حریم خصوصی پاسخ دهد. نظارت الکترونیکی می‌تواند در زمینه‌های مختلف مانند نظارت بر مجرمان، تحقیقات جنایی، امور امنیتی، و حتی در برخی موارد حقوقی غیرجنایی به‌کار گرفته شود (Ghaderi Yengi Kand, 2013).

در این میان، دادگاه وظیفه دارد تا با درنظر گرفتن شرایط خاص هر پرونده، محدوده و مدت‌زمان نظارت الکترونیکی را تعیین کند. این امر مستلزم بررسی دقیق شواهد، اهداف نظارت، و تناسب آن با موضوع پرونده است. برای مثال، در پرونده‌های مربوط به جرائم سازمان‌یافته، دادگاه ممکن است نظارت گسترده‌تری را مجاز بداند، درحالی‌که در مواردی با اهمیت کم‌تر، محدودیت‌های بیشتری اعمال کند. علاوه‌براین، دادگاه باید به زیرموضوع‌های مرتبط نیز توجه داشته باشد. ازجمله این موارد می‌توان به روش‌های نظارت الکترونیکی، فناوری‌های مورد استفاده، و نحوه دسترسی و ذخیره‌سازی اطلاعات به‌دست‌آمده اشاره کرد. این امر نیازمند آشنایی دادگاه با پیشرفت‌های فناوری و درک تاثیر آن بر حریم

است. این فرآیند شامل آموزش‌های مهارتی، کمک به بهبود روابط اجتماعی، و فراهم کردن فرصت‌های شغلی است تا افراد بتوانند به زندگی عادی و سازنده‌ای در جامعه دست یابند. این مراکز با ارائه راهنمایی‌ها و حمایت‌های لازم، به مجرمان کمک می‌کنند تا مسیر صحیح زندگی را انتخاب کنند و از بازگشت به رفتارهای مجرمانه جلوگیری شود (Becker, 1963).

۴- چالش‌ها و محدودیت‌ها

نظارت الکترونیکی، درحالی‌که به‌عنوان یک جایگزین برای حبس و ایزاری برای نظارت بر مجرمان مزایایی دارد، با چالش‌ها و محدودیت‌های قابل‌توجهی نیز روبرو است. این چالش‌ها می‌توانند کارایی آن را کاهش داده و نگرانی‌هایی را در مورد حقوق بشر، هزینه‌ها و تأثیر آن بر بازگشت به جامعه ایجاد کنند. در زیر به برخی از مهم‌ترین این چالش‌ها و محدودیت‌ها اشاره می‌شود:

۱- **کمبود تجهیزات:** کمبود تجهیزات نظارت الکترونیکی، مانند دستبندها و پابندهای الکترونیکی، یکی از چالش‌های اصلی و اساسی در اجرای مؤثر سیستم‌های نظارت الکترونیکی است. این کمبود می‌تواند منجر به افزایش زمان انتظار برای دریافت تجهیز، کاهش ظرفیت نظارت، و افزایش احتمال فرار یا نقض شرایط توسط افراد تحت نظارت شود.

۲- **هزینه‌های بالا:** هزینه‌های مربوط به تهیه، نصب، و نگهداری تجهیزات نظارت الکترونیکی نسبتاً بالاست. بله، هزینه‌های تهیه، نصب و نگهداری تجهیزات نظارت الکترونیکی معمولاً نسبتاً بالاست. این هزینه‌ها به عوامل مختلفی بستگی دارند، بنابراین درحالی‌که هزینه‌های اولیه ممکن است کم به‌نظر برسد، هزینه‌های مداوم نگهداری و تعمیر و به‌روزرسانی، در درازمدت، می‌توانند قابل توجه باشند (Khaleghi, 2025).

۳- **محدودیت‌های قانونی:** محدود کردن نظارت الکترونیکی به صرفاً جرایم تعزیری درجه پنج تا هشت، بسیار نادر است و به‌طور کلی، قوانین نظارت الکترونیکی به‌طور کلی بر جرایم مختلف

مختلف با یکدیگر همکاری تنگاتنگی دارند تا امنیت عمومی و اجرای قانون را تضمین کنند. یکی از این همکاری‌ها در زمینه نظارت الکترونیکی است که اخیراً اهمیت آن بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. نصب و جمع‌آوری تجهیزات نظارت الکترونیکی، مانند دوربین‌های مداربسته، ردیاب‌های GPS، و سیستم‌های نظارت صوتی و تصویری، در برخی پرونده‌ها و عملیات‌های ویژه، نقش مهمی در روند تحقیقات و نظارت بر مجرمان و افراد تحت‌نظر دارد. پلیس با استفاده از این تجهیزات، قادر به جمع‌آوری شواهد و اطلاعات ارزشمند در مورد فعالیت‌های مجرمانه و نظارت بر رفتار افراد در طول دوره‌های محکومیت یا آزادی مشروط است (Bales et al., 2010).

۴- **مراکز مراقبت بعد از خروج:** مراکز مراقبت بعد از خروج، نهادی مهم در سیستم قضایی و حمایتی هستند که نقش کلیدی در بازپروری و ادغام مجدد مجرمان به جامعه ایفا می‌کنند. این مراکز با هدف ارائه خدمات حمایتی و نظارتی به افرادی که دوران محکومیت خود را گذرانده‌اند و تحت نظارت الکترونیکی قرار دارند، شکل گرفته‌اند. یکی از وظایف اصلی این مراکز، ارائه خدمات مشاوره‌ای به مجرمان تحت نظارت است. این خدمات شامل مشاوره‌های روان‌شناسی، اجتماعی و حتی حرفه‌ای می‌شود تا به افراد در مقابله با چالش‌های پس از آزادی کمک کند. این مشاوره‌ها می‌تواند در زمینه‌های مختلفی مانند مدیریت استرس، بهبود مهارت‌های ارتباطی، حل تعارضات و نیز یافتن شغل مناسب باشد (Burrell & Gable, 2008).

این مراکز، نظارت بر مجرمان را در دوران پس از آزادی، از طریق روش‌های الکترونیکی انجام می‌دهند. این نظارت به حفظ امنیت جامعه و نیز اطمینان از رعایت قوانین توسط فرد تحت نظارت کمک می‌کند. مجرمان می‌توانند با رعایت شرایط تعیین شده و با حمایت این مراکز، به زندگی عادی خود بازگردند. مهم‌ترین هدف این مراکز، بازتوانی و آماده‌سازی مجرمان برای بازگشت به جامعه

اعتماد عمومی را به خطر بیندازد و نگرانی در مورد نقض حریم خصوصی را تشدید کند. ۴. احتمال سوءاستفاده از داده‌ها توسط افراد یا سازمان‌های غیرمجاز: نظارت الکترونیکی می‌تواند در معرض نفوذ و دسترسی غیرمجاز قرار گیرد و اطلاعات جمع‌آوری شده در معرض سوءاستفاده قرار بگیرد (Rahimi, 2013).

عناوین مطرح شده، نقاط ضعف و چالش‌های عملیاتی را به‌خوبی نشان می‌دهند. تنها نکته‌ای که می‌توان اضافه کرد، اشاره به محدودیت‌های عملیاتی در اجرای نظارت الکترونیکی است. به‌طور خلاصه، سیاست جنایی ایران در نظارت الکترونیکی، سیاستی است که به دنبال کاهش جمعیت کیفری، اصلاح مجرمان، و حفظ امنیت جامعه است، اما با چالش‌ها و محدودیت‌هایی نیز مواجه است.

شرایط مرخصی در نظارت الکترونیکی

مرخصی با پابند الکترونیکی تحت شرایط خاص و با نظارت قضائی دقیق امکان‌پذیر است. معمولاً افرادی که به‌جای زندان از پابند الکترونیک استفاده می‌کنند، ممکن است در صورتی که رفتار مثبت و مناسبی از خود نشان دهند و مطابق با قوانین موجود عمل کنند، مجاز به دریافت مرخصی محدودی شوند. این مرخصی‌ها معمولاً به‌صورت کنترل‌شده و با رعایت برخی محدودیت‌ها اجرا می‌شود تا خطر تخلف کاهش یابد. تصمیم نهایی در این زمینه توسط مقام قضائی اتخاذ می‌شود. بنابراین امکان دریافت مرخصی با پابند الکترونیکی نیز وجود دارد (Tadayyon, 2008). محکوم به نظارت الکترونیکی می‌تواند درخواست مرخصی کند و شرایط نظارت الکترونیکی (مانند محدوده جغرافیایی و زمان) در طول دوره نظارت قابل تغییر است. در زیر به این موارد به همراه منابع معتبر اشاره می‌کنم:

- امکان درخواست مرخصی: طبق ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرایی مراقبت الکترونیکی، محکوم تحت نظارت الکترونیکی می‌تواند در

(حتی جزئی‌تر از تعزیرات) و همچنین برای اهداف غیرکیفری (مانند امنیت ملی، سلامت عمومی) گسترده می‌شود. برای درک دقیق دامنه شمول نظارت الکترونیکی، نیاز به بررسی دقیق قوانین هر کشور است. قوانین مربوط به نظارت الکترونیکی بسیار متنوع است و در هر کشور ممکن است متفاوت باشد (Abolhasani & Alipour, 2021).

۴- **مقاومت در برابر فناوری:** عدم پذیرش و تردید برخی از قضات و کارشناسان نسبت به کارآمدی نظارت الکترونیکی، یک مانع مهم در گسترش و به‌کارگیری مؤثر این سیستم است. این تردید می‌تواند ریشه در عدم آگاهی کافی از مزایای این سیستم، تجربه‌های ناموفق گذشته، یا نگرانی‌های مربوط به قابلیت اطمینان و دقت این فناوری داشته باشد. این امر نیازمند آموزش بیشتر و ارائه شواهد و داده‌های آماری قوی مبنی بر اثربخشی نظارت الکترونیکی است تا بتوان پذیرش و اعتماد را افزایش داد (Aghaei Jannat Makan, 2013).

۵- **مسائل مربوط به حریم خصوصی:** استفاده از نظارت الکترونیکی، نگرانی‌هایی را در مورد نقض حریم خصوصی افراد ایجاد می‌کند. این نگرانی‌ها شامل موارد فوق می‌شود: ۱. جمع‌آوری اطلاعات شخصی بدون اطلاع: نظارت الکترونیکی می‌تواند اطلاعات شخصی زیادی را بدون اطلاع و رضایت افراد جمع‌آوری کند. این اطلاعات می‌تواند شامل فعالیت‌های آنلاین، مکان جغرافیایی، ارتباطات و حتی اطلاعات پزشکی باشند. ۲. استفاده نادرست از اطلاعات جمع‌آوری شده: احتمال سوءاستفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده توسط نظارت الکترونیکی، چه توسط سازمان‌های دولتی و چه توسط اشخاص ثالث، وجود دارد. این سوءاستفاده می‌تواند شامل نقض حریم خصوصی، تبعیض، یا اعمال فشار بر افراد باشد. ۳. عدم شفافیت در مورد هدف و نحوه استفاده از داده‌ها: اگر هدف و نحوه استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده توسط نظارت الکترونیکی شفاف نباشد، این امر می‌تواند

شرایط خاص، مانند فوت بستگان درجه یک، بیماری حاد، یا انجام امور ضروری، از دادگاه صادرکننده حکم درخواست مرخصی کند. - تصمیم‌گیری: تصمیم‌گیری در مورد اعطای مرخصی بر عهده قاضی اجرای احکام است که با در نظر گرفتن شرایط و ضرورت‌های موجود، اتخاذ تصمیم می‌کند.

- ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرایی مراقبت الکترونیکی: «محکوم می‌تواند در صورت ضرورت با تشخیص قاضی اجرای احکام از محدودیت‌های موضوع مراقبت الکترونیکی، به طور موقت معاف شود.» (Movahedi Nia & Afshar, 2020).

تغییر شرایط نظارت الکترونیکی (محدوده جغرافیایی و زمان)

تغییرات در شرایط پایبند الکترونیکی، جنبه‌های مهمی هستند که می‌توانند بر نظارت و مدیریت افراد تحت نظارت تأثیرگذار باشند. این تغییرات شامل محدوده جغرافیایی و زمان است که هردو عوامل کلیدی در نظارت مؤثر محسوب می‌شوند. محدوده جغرافیایی در شرایط پایبند الکترونیکی به منطقه‌ای اشاره دارد که فرد تحت نظارت اجازه حضور و تردد در آن را دارد. این محدوده می‌تواند شامل یک شهر، منطقه مشخص، یا حتی کل کشور باشد. تعیین محدوده جغرافیایی به عوامل مختلفی بستگی دارد، از جمله شدت جرم، ریسک فرار فرد، و نیازهای خاص نظارتی. برای مثال، در موارد جرائم جدی‌تر، محدوده جغرافیایی ممکن است محدودتر باشد، مانند محدود کردن فرد به یک منطقه کوچک یا حتی خانه خود. این امر به منظور نظارت دقیق‌تر و جلوگیری از ارتباط با افراد یا مکان‌های خاص صورت می‌گیرد. از سوی دیگر، در جرائم سبک‌تر یا در مراحل انتهایی نظارت، محدوده جغرافیایی می‌تواند گسترده‌تر باشد تا به فرد اجازه شود به زندگی عادی خود بازگردد، اما همچنان تحت نظارت الکترونیکی باشد (Kosha, 2010).

زمان نیز یک عامل مهم در شرایط پایبند الکترونیکی است. این امر شامل ساعات مجاز فرد برای حضور در مکان‌های مختلف و

همچنین محدودیت‌های زمانی در محدوده جغرافیایی تعیین شده است. برای مثال، ممکن است شرایط نظارتی شامل محدودیت‌هایی مانند زمان مشخص برای بازگشت به خانه، ساعات ممنوعیت خروج از منزل، یا حتی محدودیت‌های زمانی برای حضور در مناطق خاص باشد. تغییرات در محدوده زمانی می‌تواند منعکس‌کننده پیشرفت فرد تحت نظارت یا نیازهای خاص نظارتی باشد. به عنوان مثال، در مراحل ابتدایی نظارت، محدودیت‌های زمانی ممکن است شدیدتر باشند تا الگوی نظم و انضباط را برقرار کنند. اما با گذر زمان و بهبود رفتار فرد، این محدودیت‌ها می‌توانند تعدیل شوند تا به فرد اجازه داده شود به تدریج آزادی بیشتری در مدیریت زمان خود داشته باشد. تغییرات در محدوده جغرافیایی و زمان در شرایط پایبند الکترونیکی، انعطاف‌پذیری لازم را برای تطبیق نظارت با شرایط خاص هر فرد فراهم می‌کنند. این تغییرات می‌توانند به بهبود روند اصلاح و بازپروری کمک کنند، درعین حال که اطمینان حاصل می‌شود فرد تحت نظارت در محدوده‌های مشخص شده باقی می‌ماند. در مجموع، درک و مدیریت این تغییرات، جنبه‌های حیاتی در اجرای مؤثر نظارت الکترونیکی هستند و می‌توانند به کاهش ریسک و بهبود نتایج نظارتی کمک شایانی نمایند (Mohaddes, 2011).

رعایت شرایط مقرر نظارت الکترونیکی در مدت محکومیت

رعایت شرایط مقرر نظارت الکترونیکی در طول مدت محکومیت، از اهمیت بالایی برخوردار است و تبعات متعددی را به همراه دارد. در زیر به برخی از این موارد اشاره می‌کنم:

۱. حفظ مجازات جایگزین حبس: رعایت شرایط نظارت الکترونیکی، به محکوم این امکان را می‌دهد که مجازات خود را به صورت جایگزین حبس و در خارج از زندان سپری کند. این امر به حفظ ارتباط محکوم با خانواده و جامعه کمک می‌کند و فرآیند بازپروری و اصلاح او را تسهیل می‌کند (Farhoudi Nia, 2010).

- تغییر مجازات: دادگاه این امکان را دارد که مجازات جایگزین حبس را به مجازات اصلی یعنی حبس تبدیل کند. در چنین شرایطی، مدت زمانی که محکوم تحت نظارت الکترونیکی قرار داشته، از طول دوره حبس وی کسر خواهد شد. این رویکرد معمولاً به عنوان راهکاری برای تعدیل مجازات و هماهنگی با شرایط و رفتار فرد محکوم مورد استفاده قرار می گیرد (Valehi & Ehsanpour, 2016).

- تشدید نظارت الکترونیکی: دادگاه می تواند شرایط نظارت الکترونیکی را تشدید کند. این تشدید می تواند شامل موارد فوق باشد: الف) افزایش محدودیت های جغرافیایی؛ ب) افزایش محدودیت های زمانی؛ ج) افزایش محدودیت های ارتباطی؛ د) افزایش محدودیت های رفتاری؛ ذ) افزایش میزان نظارت؛ ر) تغییر در نوع ابزار نظارت (Safari & Haji Tabar Firouzjaei, 2014).

- لغو نظارت الکترونیکی: دادگاه می تواند نظارت الکترونیکی را لغو کند و مابقی مجازات را به صورت حبس اجرا کند. در این حالت نیز، مدت زمانی که محکوم علیه تحت نظارت الکترونیکی بوده است، از میزان حبس کسر می شود. این نوع کسر مدت، به عنوان «کاهش مجازات» یا «کاهش زمان حبس» شناخته می شود. این امر به این دلیل است که نظارت الکترونیکی به عنوان یک مجازات جایگزین یا قسمتی از مجازات در نظر گرفته شده است. بنابراین، در هر صورت، مدت زمانی که محکوم علیه تحت نظارت الکترونیکی بوده است، از میزان محکومیت وی کسر می شود. به عبارت دیگر، مجازات محکوم علیه با کسر مدت نظارت الکترونیکی محاسبه می شود. حتی اگر محکوم علیه پس از مدتی شرایط نظارت الکترونیکی را رعایت نکند و به همین دلیل مجازات او به حبس تبدیل شود، یا نظارت الکترونیکی لغو شود، باز هم مدت زمانی که او تحت نظارت الکترونیکی بوده است، از کل دوران محکومیتش کسر خواهد شد. بنابراین، پاسخ قطعی این است

۲. جلوگیری از تبدیل مجازات: عدم رعایت شرایط نظارت الکترونیکی، می تواند منجر به تبدیل مجازات جایگزین حبس به مجازات اصلی (حبس) شود. در این صورت، محکوم باید مابقی دوران محکومیت خود را در زندان سپری کند.

۳. جلوگیری از تشدید مجازات: در برخی موارد، عدم رعایت شرایط نظارت الکترونیکی می تواند منجر به تشدید مجازات شود. به عنوان مثال، قاضی می تواند محدودیت های تردد و اقامت محکوم را افزایش دهد یا مجازات های تکمیلی دیگری را برای او در نظر بگیرد.

۴. حفظ امتیازات قانونی: رعایت شرایط نظارت الکترونیکی، به محکوم این امکان را می دهد که از امتیازات قانونی مانند مرخصی، عفو و آزادی مشروط بهره مند شود (Goldouzian, 2022).

۶. حفظ آرامش خانواده: رعایت شرایط نظارت الکترونیکی، از نگرانی و استرس خانواده محکوم در مورد احتمال بازگشت او به زندان جلوگیری می کند و به حفظ آرامش و ثبات خانواده کمک می کند.

۷. حفظ آبرو و حیثیت: رعایت شرایط نظارت الکترونیکی، به محکوم کمک می کند تا آبرو و حیثیت خود را در جامعه حفظ کند و از انگ زنی و تبعیض هایی که ممکن است در اثر زندانی شدن با آن مواجه شود، جلوگیری کند.

۸. تسریع فرآیند بازگشت به زندگی عادی: رعایت شرایط نظارت الکترونیکی، به محکوم کمک می کند تا به تدریج به زندگی عادی بازگردد و مهارت های لازم برای زندگی در جامعه را کسب کند. بنابراین، رعایت دقیق و کامل شرایط نظارت الکترونیکی، نه تنها یک تکلیف قانونی است، بلکه یک فرصت ارزشمند برای محکوم است تا با مسئولیت پذیری و تعهد به اصلاح رفتار خود، به زندگی سالم و سازنده بازگردد. مطابق ماده ۶ قانون مجازات اسلامی، در صورت عدم رعایت شرایط نظارت الکترونیکی توسط محکوم علیه، دادگاه می تواند به یکی از تصمیمات زیر اقدام کند:

که مدت محکومیت وی با کسر مدّت نظارت الکترونیکی محاسبه می‌شود (Niazpour, 2024).

شرایط و احکام نگهداری در نظارت الکترونیکی

حبس الکترونیکی از همی جهات شبیه حبس خانگی است و همان‌طور که در صدر مبحث گفته شد تنها وجه افتراقشان مکان نگهداری است. بنابراین حبس الکترونیکی عبارت است از حبس خارج از زندانی که دارای محدودیت‌ها و سلسله ضمانت اجرایی است و شخص محکوم از هرگونه رفت‌وآمد و ارتباط و اظهارنظر و حضور آزادانه در اجتماع محروم است و در یک مکان مشخص تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی قرار می‌گیرد. نظارت الکترونیکی به‌عنوان یک ضمانت اجرای جایگزین مجازات زندان می‌باشد که به معنای کنترل و نظارت بر اشخاص از طریق ابزار و وسایل الکترونیکی در محیط خارج از زندان است (Mohammad Nasl, 2005).

حبس الکترونیکی با دور نگه داشتن فرد از محیط زندان که آموزشگاه عالی فساد می‌باشد و از طرفی دیگر با حفظ پیوندهای خانوادگی و جلوگیری از فروپاشی کانون خانواده نقش عمده‌ای در تأمین امنیت اجتماعی ایفا می‌کند. برخی از حقوق‌دانان معتقدند که «نظارت الکترونیکی اساساً برای رعایت قواعد حبس در منزل استفاده می‌شود» (Tadayyon, 2008). نظارت الکترونیکی نوعی محرومیت از حقوق اجتماعی محسوب می‌شود و نظارت الکترونیکی با توجه به این‌که هر فردی در شرایط رضایت‌بخش و برابر کار کند و برای کار یکسان، دستمزد برابر دریافت کند (که مواد ۶ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به این مطالب اشاره دارد). نیز نوعی محرومیت از برخی حقوق اجتماعی به‌شمار می‌آیند (Daneshvar Vaziri & Haji, 2018).

ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی هم در مورد حبس خانگی و هم حبس الکترونیکی صادق است و صریح‌ترین ماده، در این باب

است. ماده ۶۲ اشعار می‌دارد «در جرایم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی قرار دهد.» عبارت - های در محدوده مکانی مشخص و تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، حکایت از تأسیس جدیدی در حقوق کیفری ایران دارد بنام حبس الکترونیکی. بند ۴۹ تبصره ۱۷ قانون مصوب ۱۳۹۳ نکات اجرایی را برای عملی کردن ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی دربردارد. ماده ۶۲ دارای پیشینه تضمینی نیست اما بیش از آن به موجب بند ۴ از قسمت ج ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی موظف شده است نسبت به ایجاد سامانه‌های الکترونیکی برای اجرای محکومیت‌های حبس و قرارهای تأمین اقدام نماید (Foroughi & Irani, 2016). در ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی، حبس الکترونیکی به‌عنوان مجازات اصلی، قلمداد می‌شود اما مدتی برای این مجازات مشخص نشده است که از عیوب این ماده است. در همین خصوص یکی از حقوق‌دانان پیشنهاد می‌دهد که «مدّت آن بسته به نوع درجه‌ی مجازات تعزیری و میزان یا مدّت مجازات اصلی مورد حکم تعیین شود. برای مثال چنان‌چه درجه هشت باشد، دو برابر مدّت حداکثری مجازات حبس آن جرم به‌همین ترتیب در درجه‌های دیگر می‌توان اقدام نمود» (Foroughi & Irani, 2016).

نتیجه‌گیری

باتوجه به این‌که هدف اصلی هر تحقیق، ارائه پاسخ‌های مستدل به پرسش‌های مطرح شده است، این مطالعه نیز براساس سؤالات پژوهش به نتایج زیر دست یافته است:

نظارت الکترونیکی به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین در کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و اصلاح رفتار مجرمان، با حفظ امنیت جامعه، روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شود. در این سیستم، مرخصی به -

حقوق فردی و نیاز به بازتوانی و بازگشت به جامعه در نظر گرفته شود. نقش نظارت الکترونیکی در این زمینه باید با دقت و به گونه‌ای باشد که از انطباق با قانون و همچنین جلوگیری از آسیب بیشتر به زندانی و جامعه اطمینان حاصل شود.

نوآوری پژوهش سیاست جنایی ایران در زمینه نظارت الکترونیکی نشان‌دهنده تحولی اساسی در رویکردهای قضائی و اصلاحی کشور است. این پژوهش به وضوح تأکید می‌کند که استفاده از فناوری‌های نوین نظارتی می‌تواند به بهبود فرآیندهای قضائی، کاهش بار زندانیان، و افزایش کارایی نظام عدالت کمک کند. همچنین، با توجه به این که نظارت الکترونیکی به عنوان یک ابزار پیشگیرانه و اصلاحی می‌تواند در کاهش نرخ تکرار جرم مؤثر باشد، این سیاست می‌تواند گامی مثبت در راستای تأمین امنیت عمومی و احترام به حقوق بشر در ایران باشد. به علاوه، این نوآوری نیازمند تأمین زیرساخت‌های لازم، آموزش کارکنان و ایجاد چارچوب‌های قانونی مناسب است تا به طور مؤثر و کارآمد در نظام قضائی کشور به کار گرفته شود. در نهایت، پژوهش‌های بیشتری در این زمینه می‌تواند به توسعه و بهبود سیاست‌های جنایی کشور کمک کند و راه را برای اجرای موفق‌تر نظارت الکترونیکی هموار سازد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The evolution of criminal policy in Iran regarding electronic monitoring is rooted in broader global transformations that have reshaped the relationship between punishment, technology, and justice. From the late 20th century, societies began questioning the efficiency of incarceration as a primary response to crime, given the costs of

منظور ایجاد تعادل میان نیازهای فردی و اجتماعی، براساس شرایط و قوانین مشخصی ارائه می‌گردد. این قوانین باید ضمن تأمین منافع فرد تحت نظارت، امنیت جامعه و اهداف اصلاحی و پیشگیرانه را نیز در نظر داشته باشند. اعطای مرخصی در این سیستم، هم به رفتار و عملکرد فرد تحت نظارت طی دوره نظارت بستگی دارد و هم به ماهیت جرم ارتكابی، شدت آن و سوابق شخصی متهم مرتبط است. شرایط مرخصی معمولاً شامل محدودیت‌های جغرافیایی، محدودیت‌های رفتاری و الزامات مربوط به گزارش‌دهی به نهادهای نظارتی می‌شود. هدف نهایی این سیستم، ایجاد یک فرایند نظارتی عادلانه و کارآمد است که به فرد کمک کند زندگی عادی خود را باز یابد و درعین حال از ارتكاب جرایم مجدد جلوگیری شود.

نظارت الکترونیکی، حتی در زمان مرخصی، آزادی فردی را محدود می‌کند و بر زندگی شخصی او تأثیر می‌گذارد. این شرایط ممکن است در حوزه‌های مختلفی مانند محدودیت جغرافیایی، محدودیت فعالیت، نظارت مداوم و محدودیت تماس‌ها باشد و به طور کلی به معنای از دست دادن بخشی از استقلال و کنترل بر زندگی شخصی است. درعین حال، هدف از این محدودیت‌ها می‌تواند پیشگیری از وقوع جرم یا تضمین امنیت باشد. بنابراین، وجود این شرایط نیازمند توجیه قانونی و اخلاقی قوی و رعایت دقیق حقوق فردی است. و رعایت این شرایط، ضمن هدف پیشگیری از ارتكاب جرم و تضمین امنیت جامعه، به عنوان ابزاری برای بازگشت به زندگی عادی و جلوگیری از وقوع مجدد جرم عمل می‌کند. باین حال، اهمیت رعایت شرایط باید با توجه به

imprisonment, the criminogenic nature of prisons, and the growing importance of human rights discourses. In this context, electronic monitoring emerged as an alternative sanction that combined technological innovation with penal rationality. It was first used in the United States in 1984 to supervise offenders on probation and soon spread to other legal

systems, such as France in 1997, and became fully institutionalized with the enactment of the 2004 French law allowing courts to sentence individuals to electronic monitoring for up to a year. Iranian lawmakers, through the Islamic Penal Code of 2013, incorporated provisions to enable electronic monitoring of offenders convicted of ta'zir crimes of degrees five to eight. These legal provisions established the possibility of replacing imprisonment with a more socially integrative form of supervision. Yet the conceptual foundations of such a shift must be understood through the lens of criminal policy, a multidisciplinary domain that integrates criminology, law, sociology, and political science (Haji Dehabaei & Khaghani Esfahani, 2013; Hosseini, 2015; Lazerges, 2021; Najafi Abrandabadi, 2003). The approach reflects an international trend away from incarceration as a universal response to crime and toward policies that combine prevention, rehabilitation, and technological oversight (Nourbaha, 2022). Within Iran, electronic monitoring has therefore become a focal point of both legislative innovation and policy debate as the state attempts to reconcile punitive traditions with modern methods of social control.

The conceptualization of electronic monitoring as a penal tool is closely related to its broader use in modern governance, where it has long been applied to traffic regulation, workplace supervision, and the protection of critical infrastructure (Mohammad Nasl, 2005). In penal contexts, however, its significance lies in balancing coercion with rehabilitation. Electronic monitoring can be applied as a standalone alternative to imprisonment, as a complementary measure to conditional release or probation, or as a tool to enforce house arrest, particularly for juveniles and low-risk offenders (Ahvar, 2023; A. Shiri, 2024). In Iran, this approach has been justified not only as a response to overcrowded prisons but also as a way of addressing the

social costs of incarceration by enabling offenders to remain with their families and maintain employment, thus reducing stigmatization and promoting reintegration. Comparative studies show that jurisdictions worldwide have increasingly relied on such measures in response to the financial and social burdens of prisons (A. Shiri, 2024). This indicates that electronic monitoring is not a marginal experiment but a central part of modern penal policies designed to humanize punishment while maintaining security. In this sense, the Iranian system, though still developing, is aligned with international trajectories that emphasize efficiency, cost-effectiveness, and social reintegration.

Criminal policy itself is a multifaceted construct divided into legislative, judicial, participatory, and executive dimensions. Each dimension contributes differently to the design and implementation of electronic monitoring. Legislative criminal policy refers to the laws that provide for such sanctions, and in Iran this includes the Islamic Penal Code and the procedural provisions governing supervision. Effective legislative policy requires flexibility to respond to technological change, awareness of human rights norms, and harmonization with cultural contexts (Ashouri, 2022; Mohaddes, 2011; A. Shiri, 2024). Judicial criminal policy, by contrast, addresses the practices and principles courts apply when adjudicating cases, ensuring fair trial rights and proportionality in sentencing (Ashouri, 2022; Bales et al., 2010; Movahedi Nia & Afshar, 2020). Participatory criminal policy incorporates civil society, victims, NGOs, and even offenders themselves into the design and monitoring of sanctions (Khaleghi, 2025; Movahedi Nia & Afshar, 2020; A. Shiri, 2024; Toghrankar, 2008). Finally, executive criminal policy concerns the implementation of measures by police, prisons, and other state institutions, requiring interagency coordination and attention to training,

resources, and oversight (Ashouri, 2022; Daneshvar Vaziri & Haji Dehabadi, 2018; Abbas Shiri, 2024; Toghrankar, 2008). Taken together, these four dimensions illustrate that electronic monitoring is not merely a technical issue of attaching devices to offenders but a complex institutional arrangement that requires legal clarity, judicial discretion, societal involvement, and executive efficiency. The goals of electronic monitoring policies can be categorized into reducing prison populations, rehabilitating offenders, safeguarding community security, and optimizing criminal justice expenditures. The first goal responds to chronic prison overcrowding, which in Iran—as in many countries—has undermined prison management and fueled recidivism. Electronic monitoring offers a targeted alternative for non-violent offenders, reducing strain on correctional facilities (Gholami & Maleki, 2015). The second goal emphasizes rehabilitation by allowing offenders to remain embedded in family and community contexts while undergoing counseling, skills training, and social support (Niazpour, 2024). The third goal concerns security: constant monitoring reduces the risk of reoffending and reassures the public (Safari & Haji Tabar Firouzjaei, 2014). The fourth goal addresses economic considerations by lowering the costs of food, healthcare, and infrastructure associated with traditional incarceration (Noorpour & Ahmadi, 2012; Tadayyon, 2017). This cost-savings rationale has become particularly significant for governments under financial constraints. Together, these goals reveal that electronic monitoring is not only a penal alternative but also a strategic response to systemic challenges facing criminal justice systems. The Iranian case, by integrating electronic monitoring into its Penal Code, demonstrates a recognition of these objectives while confronting the structural obstacles of implementation.

The institutional and legal frameworks for electronic monitoring involve multiple actors and layers of regulation. The Islamic Penal Code (Article 62) allows for substitution of prison with electronic monitoring for certain categories of offenses (Rahimi, 2013), while executive by-laws set forth detailed procedures (Albrecht, 2008; Lemert, 1951; Najafi Abrandabadi, 2024). Courts play a central role in defining the scope of monitoring, balancing privacy rights with public safety (Ghaderi Yengi Kand, 2013; Renzema & Mayo-Wilson, 2005). The Prisons Organization administers the technological and logistical aspects, ensuring reliable functioning and protection of personal data (Ghaderi Yengi Kand, 2013; Khaleghi, 2025). The police cooperate in installing and retrieving devices, while post-release care centers provide psychosocial support to monitored individuals (Bales et al., 2010; Becker, 1963; Burrell & Gable, 2008). Yet significant challenges remain: shortages of devices, high costs, limited legislative scope, judicial skepticism, and concerns about privacy (Abolhasani & Alipour, 2021; Aghaei Jannat Makan, 2013; Khaleghi, 2025; Rahimi, 2013). These barriers underline the difficulty of institutionalizing new technologies within traditional criminal justice structures. Nevertheless, Iranian law also provides for flexibility, such as granting monitored offenders temporary leave or adjusting geographic and temporal restrictions, reflecting a nuanced attempt to balance rehabilitation with security (Kosha, 2010; Mohaddes, 2011; Movahedi Nia & Afshar, 2020). Compliance with monitoring conditions preserves the benefits of alternative sanctions, whereas violations can lead to conversion into imprisonment or intensified restrictions (Farhoudi Nia, 2010; Goldouzian, 2022; Niazpour, 2024; Safari & Haji Tabar Firouzjaei, 2014; Valehi & Ehsanpour, 2016). Thus, the Iranian framework is both progressive and

cautious, combining technological adoption with layered legal safeguards.

In conclusion, the Iranian experience with electronic monitoring highlights the opportunities and obstacles of adopting technological alternatives to imprisonment. On one hand, electronic monitoring reflects a forward-looking criminal policy that aligns with international norms, addresses prison overcrowding, reduces costs, and promotes rehabilitation. On the other, it exposes unresolved issues such as resource shortages, judicial resistance, privacy risks, and the need for comprehensive public support. The broader implication is that criminal policy cannot be static; it must continuously adapt to technological innovations, social demands, and human rights standards. Electronic monitoring thus symbolizes a transitional stage in penal reform, where punishment is no longer confined to the walls of prisons but extends into society under the watch of technology. For Iran, the challenge is to ensure that this transition leads not merely to efficiency but to genuine justice, balancing deterrence, rehabilitation, and respect for individual dignity in the digital age.

References

- Abolhasani, S., & Alipour, H. (2021). *A Study of Electronic Monitoring Systems in the 2013 Islamic Penal Code with a Look at the 2020 Law on Reduction of Imprisonment Sentences* The Second International Conference on Jurisprudence, Law, Psychology, and Educational Sciences in Iran and the Islamic World, Iran.
- Aghaei Jannat Makan, H. (2013). Electronic Monitoring (Imprisonment); A New Method in Substituting Prison Punishment. In *Encyclopedia of Criminal Sciences* (1st ed.). Mizan Publications.
- Ahvar, A. (2023). *Freedom Under the Supervision of Electronic Systems in Substantive Criminal Law* The First National Conference on Future Studies in Jurisprudence, Law, and Political Science, Iran.
- Albrecht, H. J. (2008). *Sanction Policies and Alternative Measures to Incarceration: European Experiences With Intermediate and Alternative Criminal Penalties* (142nd International Training Course Visiting Experts' Papers, Issue.
- Ashouri, M. (2022). *Alternatives to Imprisonment or Intermediate Punishments* (3rd ed.). Nashr-e Gerayesh.
- Bales, W., Mann, K., Blomberg, T., Gaes, G., Barrick, K., Dhungana, K., & McManus, B. (2010). *A quantitative and qualitative assessment of electronic monitoring*. <https://www.ojp.gov/pdffiles1/nij/grants/230530.pdf>
- Becker, H. (1963). *Outsiders: Studies in the Sociology of Deviance*. The Free Press.
- Burrell, W. D., & Gable, R. S. (2008). From B. F. Skinner to Spiderman to Martha Stewart: The past, present and future of electronic monitoring of offenders. *Probation and Parole: Current Issues*, 46, 101-118. <https://doi.org/10.1080/10509670802143342>
- Daneshvar Vaziri, K., & Haji Dehabadi, M. A. (2018). Non-Custodial Sentences and Their Supervision. *Quarterly Scientific-Legal Journal of Ghanoun Yar*, 2(7), 73-96.
- Farhoudi Nia, H. (2010). *A Comparative Study of Islamic Criminal Law and Customary Laws* (1st ed., Vol. 1). Yadavaran Publications.
- Foroughi, F., & Irani, A. (2016). A Comparative Study of the Identification and Implementation of Electronic Monitoring in the Criminal Law of Iran and the United States. *Comparative Law Studies*, 2(7), 601-626.
- Ghaderi Yengi Kand, A. A. (2013). *A Comparison of Electronic Monitoring with Deprivation of Liberty Punishments; Functions and Consequences* [Kashan University]. Kashan.
- Gholami, M., & Maleki, A. (2015). Alternative Punishments to Imprisonment and Their Role in Preventing Recidivism. *Crime Prevention Quarterly*, 10(37), 132-169.
- Goldouzian, I. (2022). *Iranian Public Criminal Law* (19th ed.). University of Tehran Publications.
- Haji Dehabaei, M. A., & Khaghani Esfahani, M. (2013). Typology of Technical Criminal Policy Towards Data Encryption Crime from the Perspectives of Libertarianism and Securitarianism. *Quarterly Journal of Criminal Law Teachings*, 10(5), 97-126.
- Hosseini, S. M. (2015). *Criminal Policy in Islam and in the Islamic Republic of Iran* (4th ed.). SAMT Publications.
- Khaleghi, A. (2025). *Points on the Code of Criminal Procedure* (22nd ed.). Shahr-danesh Publications.
- Kosha, J. (2010). *Crimes Against Judicial Justice* (2nd ed.). Mizan Publications.
- Lazerges, C. (2021). *An Introduction to Criminal Policy* (10th ed.). Mizan Publications.
- Lemert, E. (1951). *Social Pathology*. McGraw-Hill.
- Mohaddes, M. (2011). *A Comparative Study of the Impact of Prison Punishment vs. Alternative*

- Punishments (on Recidivism Prevention)* (2nd ed.). Negah-e Beyneh Publications.
- Mohammad Nasl, G. (2005). Electronic Monitoring of Offenders. *Law Enforcement Knowledge Quarterly*, 7(1), 119-153.
- Movahedi Nia, M., & Afshar, A. (2020). *Reasons for Applying Electronic Monitoring in Iranian Criminal Law* The First National Conference on Law, Jurisprudence, and Culture, Iran.
- Najafi Abrandabadi, A. H. (2003). From Criminal Policy to Politique Criminelle, Preface to An Introduction to Criminal Policy. In *An Introduction to Criminal Policy* (1st ed.). Mizan Publications.
- Najafi Abrandabadi, A. H. (2024). An introduction to critical criminology and its types. In *Criminology of Convicts*. Mizan Publications.
- Niazpour, A. H. (2024). *The Consensualization of the Criminal Procedure Code* (3rd ed.). Mizan Publications.
- Noorpour, M., & Ahmadi, M. (2012). New Alternatives to Imprisonment in the New Draft Islamic Penal Code. *Vakil-e Modafe' Journal*, 2(6), 17-33.
- Nourbaha, R. (2022). *The Foundations of Public Criminal Law* (3rd ed.). Kanun-e Vokala Publications.
- Rahimi, Z. (2013). *The Rehabilitative-Therapeutic Approach of the 2013 Islamic Penal Code* Shiraz University]. Shiraz.
- Renzema, M., & Mayo-Wilson, E. (2005). Can electronic monitoring reduce crime for moderate to high-risk offenders? *Journal of Experimental Criminology*, 1(2), 215-237. <https://doi.org/10.1007/s11292-005-1615-1>
- Safari, H. A., & Haji Tabar Firouzjaei, H. (2014). *Alternatives to Imprisonment in Iranian Criminal Law* (1st ed.). Ferdowsi Publications.
- Shiri, A. (2024). Criminal Policy about Electronic Surveillance. *Iranian Journal of Public Policy*, 10(3), 99-111.
- Shiri, A. (2024). *Restorative Justice* (3rd ed.). Mizan Publications.
- Tadayyon, A. (2008). Electronic Monitoring: A Step Towards Prison Alternatives. *Judiciary Law Journal*, 72(64), 56-66.
- Tadayyon, A. (2017). *The French Code of Criminal Procedure* (1st ed.). Khorsandi Publications.
- Toghrankar, H. (2008). Alternatives to Prison Punishment in the Realm of the Criminal Justice System for Women. *Monthly Journal of Reform and Rehabilitation*, 7(74), 15-18.
- Valehi, H., & Ehsanpour, S. R. (2016). The Position of Alternatives to Imprisonment with an Approach to Their Individualization in the Iranian Criminal Justice System. *Quarterly Journal of Parliament and Strategy*, 23(85), 247-278.